

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر
۲۶.۰۱.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان جلد دوم

به ادامه گذشته:

(الف) تدویر شورای غزنی که به تاریخ ماه می ۱۹۹۴ میلادی به ابتکار امارت حوزه جنوب غرب در مرکز ولایت غزنی صورت گرفت و در آن تعداد زیادی از فرماندهان جهادی و نظامی به گونه مستقلانه و بدون اشتراک "رهبران جهادی" از سراسر کشور سهم گرفته فیصله هایی به عمل آوردند که اصلاً به مذاق "رهبران" جور در نمی آمد. مثلاً، یکی از آن همه فیصله ها، تشکیل اردوی سی هزار نفری قوی و مسلح بود که کاملاً رنگ و بوی داخلی و افغانی داشته باشد و فیصله دوم این بود که هرگاه "رهبران" در برابر اراده شورا مخالفت نمایند، فرماندهان اشتراک کننده، قاطعانه در مقابل آنها می ایستند.

(ب) تدویر کنفرانس یا "شورای عالی اسلامی" هرات بود که در ماه جولای سال ۱۹۹۴م بازم به ابتکار رهبری حوزه جنوب غرب در مرکز ولایت هرات صورت گرفت و در آن علاوه از فرماندهان جهادی، به تعداد یکصد و یک نفر از شخصیت های غیر جهادی پناهنده به شمول داکتر محمد یوسف صدراعظم دوره قانون اساسی افغانستان از خارج کشور نیز اشتراک نموده بودند. تدویر این کنفرانس آنقدر مایه ناراحتی رئیس دولت گردیده بود که وی بدون دعوت و درنگ، همراه با صدیق چکری و عده ای دیگر از کابل رهسپار هرات شده به اشکال و شیوه های خاصی در جهت خنثی سازی نتایج کنفرانس داخل فعالیت گردید. چنانکه بعداً روشن گردید، همین فعالیت های ربانی و همکاران نزدیکش تلاشهای مربوط شورای عالی هرات را به ناکامی سوق دادند. همچنان، در موقع حساسی که حملات طالبان بالای شیندند و هرات ادامه داشت و اداره حوزه جنوب غرب دچار مخصصه های جدی سیاسی - نظامی بودند، ربانی هیأت هایی را یکی پی دیگر و با هدایت های خاص از کابل به هرات میفرستد تا بالای اسماعیل خان اعمال نفوذ نماید. مثلاً، به تاریخ نهم ماه سنبله ۱۳۷۴ هجری شمسی، هیأتی شامل سید اسحق دلجو حسینی وزیر اطلاعات و فرهنگ وقت، مصباح هراتی وزیر مشاور رئیس جمهور و ضیایی سرپرست وزارت تجارت به هرات رسید. به تاریخ یازدهم سنبله، هیأت دیگری شامل آقایان (چکری) وزیر سرحدات، داکتر عبدالله، قاضی زاده رئیس سیاسی دفتر ریاست جمهوری و چند فرد دیگر وارد هرات شدند. به تاریخ سیزدهم سنبله باز هم هیأت دیگر به اشتراک سید نورالله عماد و همراهانش به هرات مواصلت کرد. هیأت های مذکور از مداخله در امور ولایت به شمول امور نظامی، تماسگیری و امتیاز دهی و... مضایقه نمی کردند که این اقدامات نه تنها رهبری حوزه را دچار ناراحتی نمود، بلکه موجب ایجاد شایعات، سوء تفاهات و سوء اجرات نیز گردید تا آنکه طالبان قدم به قدم به سوی هرات نزدیک شده و پس از اشغال شیندند، به تصرف هرات نیز متوسل شدند. اعضای هیأت کابل و رهبری و منسوبین حوزه با پذیرش شکست کامل نظامی، راه فرار به سوی ایران را در پیش گرفتند. جنرال ظاهر عظیمی که خود در جبهات جنگ ضد طالبان اشتراک داشته است، در صفحه ۱۲۰ (کتاب خویش بنام "طالبان چگونه آمدند؟" چنین مینگارد: "... در همین روز دوصد صندوق تفنگچه ماشیندار کلاشنکوف روسی (۲۰۰۰میل) به هدایت فرماندهی عمومی توسط چند عراده موتر بارگیری شد و به استقامت مرز ایران اعزام گردید."

همچنان در همین شب و روز شایع شد که هیأت کابل به ریاست سید نورالله عماد و دلجو حسینی، مقدار پنج تن بانکتوت های افغانی را هنگام فرار از هرات با خود به ایران انتقال دادند.

اشغال هرات توسط طالبان، حادثه ساده ای نبود، بلکه این حادثه، هم به قیمت جان هزار ها انسان اعم از عسکر، افسر، افراد ملکی و جوانان رشید تمام شد، هم راه عبور طالبان به سوی مزار و حوادث خونین بعدی را فراهم آورد

و هم انبوه عظیمی از سلاح های متنوع ، راکت ها ، طیارات، وسایل و اموال دولتی با صدها ملیارد افغانی در بانکهای هرات ، میدان های هوایی مجهز و ارزشهای دیگر بدست طالبان افتاد و موزیم باستانی و قیمت دار آن ولایت توسط لشکر جهل و ظلمت به نابودی کشانیده شد . بنابراین، روز هفدهم ماه سنبله ۱۳۷۴ ه که روز سقوط کامل هرات به دست طالبان بود، در تاریخ کشور روزی فراموش ناشدنی باقی خواهند ماند.

در جریان حملات طالبان به سوی شیندند، طیارات تحت فرمان جنرال دوستم به نفع طالبان داخل عملیات شده مواضع نیرو های اسماعیل خان را شدیداً بمباران نمودند. در عین حالیکه نیرو های اسماعیل خان به طرف هرات عقب می کشیدند، قوای جنرال دوستم به خاطر تصرف بادغیس پیشروی نمودند. در چنین اوضاعی ، برای اسماعیل خان دشوار بود در دو جبهه بر زم. وقتی هرات به دست طالبان سقوط کرد، رادیوی حکومت ربانی ، اسماعیل خان را "خاین" خطاب نمود. جنبش ملی - اسلامی به رهبری جنرال دوستم از این فرصت استفاده نموده یکدسته قوا را به فرماندهی حیات الله بیگ به سوی ولایت غور سوق داد و آن ولایت را نیز اشغال نمود.

سقوط هرات ، اداره کابل را سخت ناراحت نمود ه تظاهرات ضد پاکستان را بتاريخ ششم ماه دسامبر ۱۹۹۵م در کابل تدارک دید. واما ، آقایان صبغت الله مجددی ، گیلانی ، گلبدین و جلال الدین حقانی برضد اراده و احساسات تظاهر کنندگان و بدون محکوم کردن مداخلات آشکار پاکستان در امور افغانستان ، عمل تظاهر کنندگان را محکوم نموده اظهار داشتند که "عکس العمل در برابر سفارت پاکستان ، خلاف پاداش خدمات پانزده ساله آن کشور در برابر مجاهدین میباشد ."

تسخیر هرات توسط طالبان نه تنها حکومت کابل را ناراحت گردانید ، بلکه روشنفکران ، وطنپرستان، تشکلات سیاسی و فرهنگی برون مرزی افغانان را نیز متأثر ساخت . اعلامیه های مختلفی به این مناسبت به نشر رسید که اینک ، از میان همه ی آنها ، اعلامیه ی " شورای دموکراسی برای افغانستان " را منحصیث نمونه در اینجا درج مینماییم :

اعلامیه

"شورای دموکراسی برای افغانستان"

در مورد حوادث اخیر کشور با سقوط هرات به دست نیرو های "طالبان" ، جنگ نیرو های مسلح در کشور ما وارد مرحله دیگری گردید . نیرو های "طالبان" که توسط سازمان های امنیتی بیگانه و به خصوص پاکستان تسلیح شده و آموزش دیده اند ، جنگ تجاوزگرایانه شان را در بخش های وسیع کشور ما گسترش دادند . سه سال واندی حاکمیت تنظیم های پرورده شده توسط کشور های خارجی بر کشور ما ، جز غارت و جنگ و خونریزی هیچ ارمانی نداشته است . جنگ افروزی و سلطه طلبی ، خصلت ذاتی این احزاب بوده و حاکمیت آنها به جز از تداوم جنگ ارمانی نخواهد داشت . حفظ تمامیت ارضی ، حاکمیت ملی و استقرار صلح و دموکراسی میتواند صرفاً با تکیه بر مردم افغانستان و در مبارزه با جنگ طلبان تحقق یابد . شورای دموکراسی برای افغانستان با اعتقاد به اصول و ارزش های آزادیخواهانه اش ، گسترش جنگ طلبی های نیرو های طالبان را در بخش های غرب و هر جای دیگر کشور ما و حملات آنها را به حقوق مردم افغانستان و به خصوص سلب حقوق زنان جامعه ما شدیداً محکوم مینماید . ما هر نیرویی را که بخواهد با بازوی نظامی طالبان به قدرت دست یابد، به عنوان نیروی متکی بر بیگانه و ضد آزادی رد مینماییم."

هیأت اجراییه شورای دموکراسی برای افغانستان

۲۳ سپتمبر ۱۹۹۵

فصل هفتم

طالبان در هرات و اطراف آن چه کردند؟!

طالبان به اساس اصل (وهابیسم) ، پالیسی های عناد آمیز قومی و زبانی ، برداشت های غلط از احکام شریعت و دستورات خارجی ، اعمال ناصواب ، خشن ، ضد علمی و ضد فرهنگی علیه مردمان مناطق مفتوحه را به کار می بستند ، در هرات نیز متأسفانه دست به کشتار های بیدریغانه ، ویرانگری ، تحقیر و سرکوب خونین زدند. درب مکاتب و مدارس دخترانه را بستند ، دست زنان و دوشیزگان را از کار های رسمی کوتاه کرده ، آنان را خانه نشین ساختند. هرگونه حق و آزادی فردی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی و حتی کلتوری را از باشندگان این سر زمین سلب کردند. موضوع مربوط به ریش و لباس و نماز و عزا داری و همه گونه هنجار های انسانی دیگر را تحت کنترل اداره ی " امر بالمعروف و نهی عن المنکر " خویش در آوردند.

برای آنکه سیاست و اجراءات سنگدلانه ، قوم پرستانه و تعصب آمیزگروه طالبان در حوزه جنوب غرب وضاحت بیشتر یابد ، اینک ، بخشی از گزارشات و چشمدید هایی را در اینجا درج مینمائیم که از طرف منابع مطلع خبر رسانی ها ، حقوق بشر ، عفو بین الملل و غیره به نشر رسیده اند :

"شاهدان عینی در هرات برای عفو بین الملل گفتند : بسیاری از مردم توسط طالبان به قتل رسیدند . . . زمانی که طالبان به هرات آمدند عساکر اسماعیل خان را که در حال عقب نشینی بودند ، کشتند . . . طالبان جنگجویان مذکور را اسیر گرفتند و آنان را در گروه های ۱۰ یا ۲۰ نفری به قتل رسانیدند . . ."

"گروهی از افرادی که در میانه ۱۹۹۶ م از هرات دیدن مینمودند ، توسط افرادمحل باخیر گردیدند که در پی تسخیر هرات توسط طالبان در سپتامبر ۱۹۹۵ م ، بسیاری از عساکر اردوی سابق اسماعیل خان که سلاح های شان را دور انداخته بودند ، دستگیر شدند. آنان را برای چندین روز در محبس نگهداشتند، اما بعد تمامی آنان به قتل رسیدند،

کشتار در شب اتفاق افتاد. شماری از افراد عادی نیز دستگیر و به گمان اینکه حامی اداره برکنار شده اسماعیل خان اند، به قتل رسیدند. . . . "

" چندین شاهد عینی گزارش دادند که بعد از گرفتن شهر توسط طالبان، سرکهای نزدیک شهر از اجساد و کشته شده ها پوشیده بود، بعضی از اجساد توسط جانوران و حشی خورده شده بودند. "

" سایر شاهدان عینی از کشتار عمدی و مستیدانه حدود بیست نفر در بستر یک دریای خشک نزدیک بازاری واقع در منطقه دلارام گزارش دادند. مردم محل شهادت دادند که در جریان حادثه، طالبان حدود سه صد نفر را به گمان اینکه از طرفداران اسماعیل خان اند، توقیف نمودند. "

" ده ها نفر در جریان یورش بالای مارکیتی به منظور گرفتاری مردم به قتل رسیدند. . . . بعدا طالبان اسرا را به صخره های نزدیک دریای خاشرود برده بیست نفر آنان را به قتل رسانیدند و اجسادشان را در دریا انداختند. "

" دو کارگر به سنین ۱۶ و ۱۸ ... در مسیر مسافرت شان به کابل از ولایات هرات، هلمند، قندهار، زابل و غزنی که تحت تسلط طالبان بود، گذشتند. آنان اجساد زیادی را که در سرک افتاده بود دیده و حدود چهار صد جسد را شمار کردند. . . . مردم محل برایشان اظهار داشتند که تعداد وسیع کشته شدگان، جنگجویان تسلیم شده و یا هم مردم غیر نظامی بودند. "

" در ۴ جولای ۱۹۹۶م فردی که از هرات دیدن مینمود، از میدان هوایی ذریعه موتری به شهر رفت. او در حدود پنج کیلو متری شهر اجساد پنج فردی را که اخیرا کشته شده بودند، مشاهده نمود، اندکی از لباس بر تن شان باقی مانده بود و در سرک، کنار همدیگر افتاده بودند. "

" یک شاهد عینی گفت: من اجساد زیادی را در منطقه (پل دهکب) که با ولایت فراه، نیمروز و هلمند هم سرحد است، دیدم. بعضی اجساد در نزدیک پل قرار داشتند. مردم چندین مرتبه اجساد را دفن نموده بودند، اما حیوانات آنها را از قبر های شان بیرون کشیده بودند. من سیزده جسد را در زیر پل حساب نمودم، اما شمار مرده ها در آنجا بیش ازین بود. همه آنان مرد به نظر می رسیدند. مسافران مناطق اطراف که در موتر سفر میکردند، به ما گفتند که کشته شدگان جنگجویان نبودند، افراد مذکور را اسیر گرفته بودند و به خاطر انتقام گیری از حمله قبلی نیرو های اسماعیل خان علیه مواضع طالبان کشته بودند. . . . "

در منطقه گلستان در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی، چهار نفر عسکر که نمیخواستند بجنگند و به طالبان تسلیم شده بودند، توسط طالبان تیر باران شدند و به تعداد پنجاه نفر اهل دره پنجشیر در نواحی (چکاب) هم که به طالبان تسلیم شده بودند، همه به قتل رسیدند.

گزارشات فوق، گوشه کوچکی از کشتار ها و بیرحمی های جانب طالبان در مناطق جنوب غرب کشور را میرساند، زیرا اوضاع و شرایط جنگی و اجتماعی در دهه های اخیر متأسفانه طوری بوده که تهیه آمار و احصاییه دقیق و همه جانبه در چنین موارد را مشکل و یا حتا گاهی ناممکن میسازد.

علاوه از کشتار های جمعی و سنکدلانه طالبان در جبهات جنگ و مناطق مفتوحه و یا قتل اسیران و انتقام گیری های خونین از مردم ملکی و غیره، اجراءات و اقدامات شیاروزی شان در مناطق متصرفه نیز سخت جاهلانه، قرون وسطایی و مشمز کننده بود. مثلا، طالب بچه ی ۲۵ ساله ای به نام (ملا غلام محمد) که به حیث محتسب اجرای وظیفه مینماید، وارد محفل عروسی در ولسوالی انجیل هرات می شود. جوانان حاضر در مجلس با شتاب آله صوت (تیپ ریکاردر) را پنهان مینمایند، ولی طالب بچه با خشونت عجیبی در جست و جوی آله مذکور گردیده و بالاخره موفق نه میشود. از اهل مجلس میخواهد تا آله صورت را حاضر کنند تا آنرا بشکند، مگر حاضرین پس از عذر و زاری، چند حلقه کست را می آورند و محتسب هم آنها را می شکند و در عین حال به امام مسجد که شخص مسن و در مجلس حاضر است دشنام نثار میکند و می رود. جنون و جهالت این گروه در هرات تا بدانجا رسید که حتا یکعداد داکتران لایق و غنیمت آن ولایت را مجبور به فرار نمود. اسمای برخی از داکتران که از دست سخت گیری های طالبان از هرات فرار کردند عبارت بودند از:

داکتر عبدالعزیز سرپرست بخش جراحی شفابخانه ی هرات

| | | | |
|-----------------|-------------|----|----|
| عبدالله پویا | داکتر داخله | رر | رر |
| غلام رضا ریاض | داکتر جراح | رر | رر |
| شفیع رحمانی | داکتر جراح | رر | رر |
| محمد سلیم کریمی | داکتر داخله | رر | رر |
| سید ناصر عالمی | داکتر جراح | رر | رر |
| ناصر نور زایی | داکتر جراح | رر | رر |
| عبدالله | داکتر اطفال | رر | رر |
| ناصر برادران | داکتر دندان | رر | رر |

سران طالبان علاوه از زجر و تحقیر و کشتار مردم در هرات، فراه و هلمند و . . . سخت مشغول زر اندوزی، از دواجهای مکرر و قاچاق مواد مخدر نیز بودند. مثلا، ملا سید محمد والی فراه، قومندان، خرنوال و دیگر مامورین عالیرتبه آن ولایت به نام های ملا قاسم آخند، ملا عبدالسلام آخند، ملا سید آخند، ملا قدوس، صوفی فضل (اصلا از

حزب اسلامی) و غیره به صورت بسیار فعالانه دست به کار خرید و فروش مواد مخدر بودند که این موضوع کاملاً افشا شده بود .

تعدادی از فرماندهان حزب اسلامی گلبدین و سیاف که با طالبان یکجا شده و در نقاط مختلف کشور شریک جرم و جنایت طالبان شدند که از آن جمله اسمای آنانیکه به مؤلف رسیده ازینقرار بوده اند :

غلام محمد فرمانده حزب اسلامی از قریه باجایی مؤظف در محل (درونته)
حفیظ الله اسد وردک ، مؤظف در جلال آباد

بهرام مؤظف در جلال آباد

حسن شیر برادر سید کریم مؤظف در خیوه

انجنیر محمد اسماعیل مؤظف در سرخورد جلال آباد

ضمیر گل فرمانده حزب اتحاد اسلامی سیاف مؤظف در قرغه

حاجی عبدالله فرمانده حزب اتحاد اسلامی سیاف مؤظف در حضرو کابل

علی اکبر مجاهد (حزب اسلامی) مؤظف در فرقه جلال آباد

برکت الله رر مؤظف در سرخورد جلال آباد

مدیر مجید رر مؤظف در پغمان

مسعود رر و بعدا ملیشه رژیم نجیب الله قومندان امنیه سرخورد

میمون رر مؤظف در سرخورد

وایل (اتحاد اسلامی سیاف) مؤظف در سرخورد

یحیی رر مؤظف در ولسوالی خیوه

ادامه دارد